

شیلات، میزبان رسانه ها در سفر به قلب جنوب



۲۵ ساعت در شهر رنگ و موسیقی به امید نجات میگو و میگو کاران و اشتغال آفرینان

خروسخوان

ساعت ۴/۳۰ بامداد از خانه بیرون زدم و ساعت ۶/۳۰ علی‌رغم تاکیده‌های دکتر بهبهانی، وزیر راه که هوایمایی نباید تاخیر داشته باشد، با یک تاخیر ۴۰ دقیقه‌ای، تهران را به مقصد کانون آبی‌پروری و میگو ترک کردیم. ساعت ۸ صبح یک روز آفتابی با ۲۲ درجه حرارت در هوای پاک و پاییزی بوشهر همراه با گروه ۱۳ نفره خبرنگاران رسانه‌ها به سرپرستی مدیر روابط عمومی سازمان شیلات ایران در دفتر استاندار و محل تشکیل جلسات شورای تامین، و در مقر استقرار رییس دولت نهم در سفر استانی بوشهر با استاندار بوشهر به مصاحبه نشستیم.

مهندس ابوطالب شفقت بی‌پیرایه و خندان وارد شد و به ارباب جراید، صدا و سیما و خبرگزاری‌ها خیرمقدم



گفت. وی که استاندار پیشین مازندران بوده از شمالی‌ترین استان کشور آمده تا در جنوبی‌ترین استان رستگار شود. اعتماد به نفس مهندس شفقت، ارتباطات گسترده، امیدواری و انرژی مثبت (ربطی به نیروگاه انرژی هسته‌ای بوشهر ندارد) از این روستایی روشنفکر متعدد که در ولیک بابل چشم به ایران گشوده و تقریباً تمام سختی‌های موجود را تجربه کرده، مدیری هوشمند و ملی به جامعه ارایه داده است.

کار زیبایی شفقت گردآوری عکس ۱۷ استاندار بعد از انقلاب در استان بوشهر است که نظر دکتر کامران ملک‌پور، خبرنگار چهره‌ساز روزنامه اعتماد ملی را به خود جلب کرده بود. طولانی‌ترین زمان استانداری بوشهر به دکتر ندیمی بوشهری با ۵ سال و کمترین آن به ۱۷ روز می‌رسد.

ملک‌پور می‌پرسد:

آقای مهندس شفقت شما چقدر در این استان پر جنب و جوش خواهید ماند؟

تا امروز ۱۰۵ روز خدمت‌گزاری کرده‌ام و تا هنگامی که مقدر باشد، خواهم ماند؛ تا خداوند چه بخواهد.

استاندار رسانه‌ای

بیست نفری دو طرف استاندار نشستند و هر کس از هر دری سخن می‌گوید تا استاندار برنامه‌های توسعه آبی‌پروری و تولید میگو را عیان کند.

مهندس شفقت با لبخندی اعلام می‌کند که او نیز رسانه‌ای است و بچه‌ها احساس نزدیکی بیشتری می‌کنند. استاندار از ایام مدیریت در استان مازندران و نشست با رسانه‌های فرا استانی در طبرستان می‌گوید. یک مازنی تمام عیار که ملی و سراسری فکر می‌کند. شفقت اصلاً پیچیده نیست و ارتباط برقرار کردن با او بسیار راحت است. راست می‌رود سر اصل مطلب؛ از عقایدش به شدت دفاع می‌کند؛ ایران را برای همه و همه‌ی ما را برای نظام می‌خواهد؛ از سیزده آبان می‌گوید، از استکبارستیزی و افتخار می‌کند که یک بسیجی و سپاهی بوده است.

شفقت و زارع، اتحاد برای رشد میگو

شفقت در روستای ولیک بابل به مدرسه رفته و دبیرستان را تمام کرده، عضو سپاه بابل، پاسدار استان و سپاه استان و البته استمرار مطالعه و تحقیق و تحصیل در دانشگاه از وی یک مهندس مکانیک ساخته که تئوری‌های مدیریت را در عمل تجربه کرده و گذراندن دوره فوق‌لیسانس صنایع بابل، چرخه تحصیلات عالی وی را تکمیل کرده است.

برنامه‌ریز و میزبان رسانه‌ها، مهندس زارع، معاونت پرکار و با برنامه وزارت جهاد کشاورزی سازمان شیلات است که در چند ماهی تصدی، خوش افقی قابل رویت و دسترسی برای صنعت شیلات ترسیم کرده و این اولین سفر خبرنگاران در ۴ ماه مدیریت وی است. زارع که

معتقد به کار تیمی، با محاسبات دقیق و برنامه‌ریزی است، می‌خواهد سرانه‌ی مصرف شیلات را در بین ملت ایران به مرز ۲۰ کیلو و بیشتر برساند؛ از محل صادرات برای کشور ارز استحصال کند و برای مدیران، مهندسان و پرسنل و فعالان این بخش عظیم، هویت واقعی و جایگاهشان را مشخص و در مجموع ارزش‌آفرینی کند.

زارع تئوری‌های مدیریت را می‌داند و آنها را تجربه کرده است. هنگامی که با زارع به بحث می‌نشینی، با یک استاد تمام عیار دانشگاه روبه‌رو می‌شوی که سعی دارد یافته‌های خود را صادقانه منتقل کند. زمان مدیریت و اجرا متوجه می‌شوی خسنگی ناپذیر و با اراده تا پاسی از شب در طبقه پنجم سازمان شیلات مانند یک سازمان شبانه‌روزی در جوش و خروش است و دیگران سعی می‌کنند با به پای مهندس زارع، خدمی مردم ایران را بکنند. زارع مدیر ملی و باتجربه‌ای است که کارشناسی و مدیریت اجرایی را در اقصی نقاط کشور تجربه کرده است.

فرمانداری، استانداری، شهرداری

و اینک مدیریت تامین غذای مردم از آب. یادمان باشد مهندس حاجتی با کمی بالا و پایین، همین دوران را طی کرد و عملکردش باعث شد تا به صدارت برسد و البته این هر دو (حجتی و زارع) مهندس عمران هستند.

استاندار که هم‌ولایتی مهندس زارع است، هر لحظه را برای معرفی توانایی‌های استان بوشهر و شکوفا کردن استعدادهای میگوپروری شکار می‌کند. چهره‌اش چنان جنوبی شده که انگار متولد جنوب است. همه را به سمت معرفی توانمندی‌های بوشهر می‌برد و در این بین میگو را که می‌تواند سالانه حدود ۱۰۰ میلیون دلار ارزش‌آوری کند، نشانه می‌رود. نزدیک به ۴ هزار استخر آمادگی پرورش میگو، برای پذیرایی از لارو انومی وارداتی دهان باز کرده (چه قدر جالب ایران مامن و زادگاه و پرورشگاه میگوست اما لارو سالم و مقاوم به بیماری میگو باید از آمریکا بیاید!).

استاندار می‌گوید: ۲-۳ سال گذشته مشکلات بیداد کرده بود. سرمازدگی، خشکسالی، بیماری لکه سفید و ممنوعیت صادرات به اروپا موجب شده بود تا علاوه بر سه استان خوزستان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان ۲۰۰ و اندی پرورش‌دهنده میگو در استان بوشهر زمین‌گیر شوند؛ وام‌های بانکی و بهره‌های آن بیداد می‌کرد؛ کارگران اخراج شده بودند و اربابان میگو فراری.

اگر وزارت کار بگذارد!

و حال که مصوب شده بخشودگی دیرکرد و استمهال وامها ۱۲/۵ میلیارد تومان سود متعلقه تا سررسید وام میگوکاران و ۱۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان سود ۲ سال تمدید و ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان کارمزد تاخیر به تمام پرورش‌دهندگان میگو که در اثر خشکسالی، سرمازدگی و

اطلاع‌رسانی شیلات ایران
اعتماد
دام و کشت
ایران خبرگزاری کار ایران
رسانای خبر



هر کیلو میگو ۳۵۰۰ تومان تمام می‌شود اما ۲۵۰۰ تومان توسط سلف‌خر جمع‌آوری می‌شود. جالب اینکه خانم قدسی از سیمای جام جم با آقای قدسی (که هیچ نسبتی به جز تشابه اسمی ندارد) مصاحبه کرد تا کیفیت و ارزشمندی غذایی میگوی ایران را به دنیا ثابت کند.

دکتر اتابک‌زاده که از صبح مدتی را با خبرنگاران بوده و قدری به رتق و فتق امور اداره کل پرداخته نیز در یک مصاحبه‌ی صحرایی و با نشان دادن مستندات بخشودگی جرایم تاخیر و سود وام‌هایی که سرما، خشکسالی و بیماری لکه سفید حاصل کار را به بغما برد، می‌گوید: باید این مصوبات هر چه زودتر اجرا شود تا پرورش دهندگان میگو با کار و تولید آستی کنند. در آن هوای نیم سرد نیم بارانی که ۱۰ کارگر، عملیات ساده برداشت میگو، ضد عفونی و جعبه‌گیری را انجام می‌دادند، آقای قدسی مقداری میگوی تازه را برای بچه‌ها آب‌پز کرد و خانم‌ها مثل همیشه با اه و اوه، شاخک‌های میگو را پس می‌زنند و از چشم‌های ورقلبنیده میگو روی برمی‌گردانند.

بک بار دیگر ریسعلی، اما!

گروه در باران بوشهر قصد دیدار از خانه ریسعلی دلوری را کرد که با در بسته مواجه شدیم. ملک‌پور با پشتوانه‌ی اعتماد ملی و باتجربه کارگزاران، ماشین خبرنگاران را متوقف کرد تا استاندار (که به خارج رفته بود) یا رییس شیلات را (که از گروه جدا شده بود) بیابد و پادرمیانی کنند و موزه ریسعلی را بگشایند که نهیب خبرنگاران به وی و از ترس اینکه به سرنوشت بازدید از نیروگاه دچار شوند، او را نیز منصرف و راهی مقصد بعدی کرد.

برنامه‌ی بعدی، دیدار از شهرک صنایع ماهی و میگو و بازدید از کارخانه آبزیان مهتاب بود. آقای شاهرخی با ایجاد اشتغال برای حدود ۴۰ نفر، همزمان عملیات درجه‌بندی، بسته‌بندی و فریز کردن میگو را با استانداردهای اروپا انجام می‌داد.

فردا با یک تاخیر کوچک ۱۲۰ دقیقه‌ای باز هم هوایمایی، به شهر دود و آهن برگشتیم.

● در این سفر آقای مهندس علیرضا کیهان‌پور، مدیر روابط عمومی و بین‌الملل سازمان شیلات و سرپرست این گروه خبری به معنای واقعی یار و یاور خبرنگاران بود. آقای عباس افشار فعالیت تهیه عکس و فیلم و هماهنگی را انجام می‌داد و آقای سلطان محمدی کارشناسان روابط عمومی سازمان تلاش کردند تا خبرنگاران با آرامش و آسودگی به کار خود بپردازند.

● گروه خبری اعزامی به بوشهر را خبرنگاران ذیل همراهی کردند:

- کامران ملک‌پور: روزنامه اعتماد ملی
- مانی جمشیدی: هفته‌نامه دنیای سبز
- خانم افشار: روزنامه ایران
- خانم محمودپور: خبرگزاری ایلنا
- خانم اکرمی: روزنامه اقتصاد پویا
- خانم اقتداری: خبرگزاری مهر
- خانم مرزبان: خبرگزاری موج
- و خبرنگار مجله دام، کشت و صنعت

بیماری صدمه دیده‌اند، تعلق گیرد، استاندارد می‌خواهد ۷۵۰ هکتار سطح مزارع پرورش میگو را به ۴۲۰۰ هکتار و آن هم در مدت ۵-۴ ماه برساند. کاری عظیم و همتی بلند می‌طلبد که مسلماً بدون مشارکت جدی و خارج از تشریفات بانک‌ها، مساعدت وزارت جهاد کشاورزی، وزارت کار (که متأسفانه هنوز با بخشودگی تاخیرها و سود متعلقه موافقت نکرده است)، وزارت بازرگانی و انگیزه‌های تشویقی دولت تقریباً غیرممکن است. فراموش نکنیم که در استان امکان و استعداد ۲۰ هزار هکتار پرورش میگو وجود دارد.

کار آن قدر مهم است که استاندار با وجود اینکه مسافر خارج از کشور است، اما لحظات را برای رسانه‌ای کردن موضوع از دست نمی‌دهد. مسلماً اگر میگوکاران شکست بخورند، اگر در این وانفاسی ارزانی نفت، امکان تولید و حدود ۱۰۰ میلیون دلار ارزآوری عملی نشود، در وهله‌ی اول بانک‌ها مستقیماً مقصرند؛ چرا که فقط به سودآوری و بهره‌ی بیشتر می‌اندیشند؛ البته اگر وزارت کار مشکلات همشهری‌های ریسعلی را درک کند و برای جلوگیری از قطعیت مزارع پرورش میگو و بیکاری ۳-۴ هزار نفر راهی بیابد.

کلاهی برای خبرنگاران

بچه‌ها به ویژه یکی از خبرنگاران که روزنامه‌نگاری سیاسی را نیز در کنار اقتصادی مزمره می‌کند، از استاندار می‌خواهد اجازه دهند تا علاوه بر پوشش خبری پرورش میگو، از نیروگاه اتمی بوشهر هم بازدید داشته باشند و استاندار با روی باز چنین می‌کند و همه به جز یک نفر، زین و براق کرده و با دوربین‌های آماده و طی مسافت حدود ۶۰ کیلومتری رفت و برگشت، کلاه مدور نیروگاه را نشانه می‌روند و یک لب تاب و یک کارشناس همه‌ی اطلاعات را کیسولی (مانند قرص خواب‌آور) به آنها منتقل می‌کنند، بچه‌ها کلاه بزرگ مدور را بر سر خود احساس می‌کنند، ناهار ماهی و میگو آن هم در هتل دلوار است و بلافاصله حرکت به سمت مزارع میگو.

جست و خیز میگوها

با ورود خبرنگاران به سایت پرورش دلوار و در حضور آقای گلستانی، مدیر عامل تعاونی تولیدکنندگان میگو در استان بوشهر، دکتر اتابک‌زاده، مدیر کل شیلات استان بوشهر، آقای قدسی، مالک یک مزرعه ۲۰ هکتاری پرورش میگو، مراسم برداشت از یک استخر ۱۲ هزار مترمربعی را آغاز می‌کند. میگوهای نژاد وانومی آمریکایی که تا ۳۵-۳۰ گرمی هم بین آنها مشاهده می‌شود، عجب جست و خیزی در کنار دریای بوشهر و محل جنگ با پرتقالی‌ها و انگلیسی‌ها می‌کنند.

درد تولیدکننده اما آن قدر زیاد است که جشن برداشت را فراموش می‌کنیم.

- چند سال پیش مزارع را به غیر بومی‌ها دادند و ما با صرف هزینه و تقبل بدهکاری از آنها خریدیم؛ بعد هم سرما و لکه سفید و همه چیز خانه خرابمان کرد، اگر دولت کمک نکند، نابود می‌شویم.

مصاحبه خانم قدسی و آقای قدسی

آقای گلستانی در دفاع از صنف خود به خبرنگاران گفت: تا عزم و اراده ملی بر حمایت از پرورش و تولید میگو قرار نگیرد، استخرها خالی می‌ماند و اگر فعالیتی باشد، حاصل آن نصیب سلف‌خرها و سرمایه‌دارها می‌شود.

